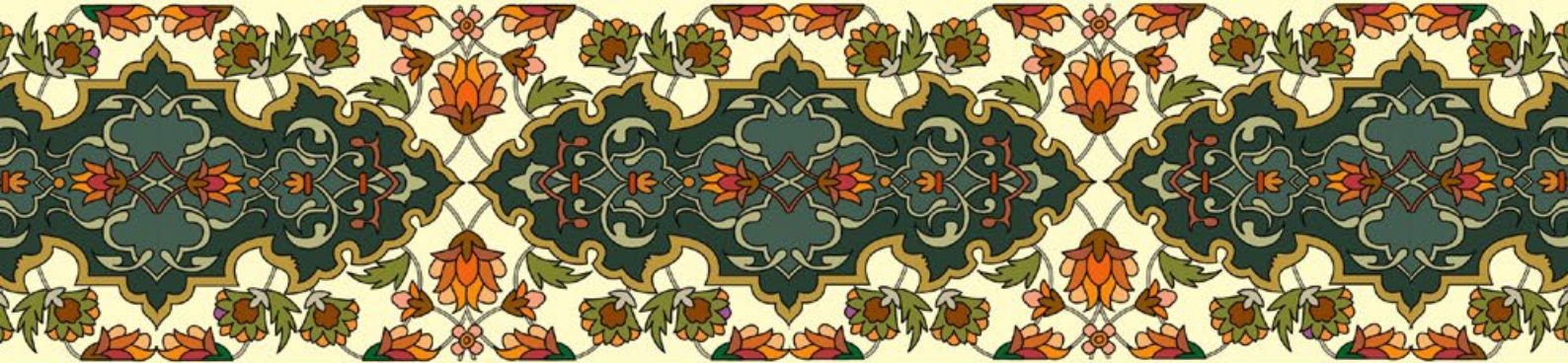




پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالى





شماره: ۱۱۴

عنوان: اول صلاح یا سلاح؟

نویسنده: مهدیار محمدی

تاریخ: ۱۴۰۰/۸/۲۱



پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصوبهاشعخبرالسلام حفظه الله تعالى

توجه: دیدگاه درج شده دیدگاه ارسالی توسط یکی از کاربران است و لزوماً دیدگاه این دفتر محسوب نمی شود.

بسم الله الرحمن الرحيم

معرفت و آگاهی

صلاحیت برای ظهور مهدی به چه معناست؟

صلاحیت یعنی «تنها مهدی» را خواستن؛ مهدی را خالص خواستن. این حقیقت اسلام است: در اعتقادات به جای مهدی کسی را خلیفه‌ی خدا نگیری و بر او اولی و افضل و اصلح نبینی و در عملت به حکومت هیچ کس جز او تن ندهی. وقتی می‌توانی او را به حکومت برسانی، به جای او کسی را بر خود مسلط نگردانی و مشروعیتی برای حکومت غیر او قائل نشوی.

WWW.ALKHORASANI.COM

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

یکی دیگر از تفاوت‌های مبنایی نهضت مبارک «بازگشت به اسلام» با نظام حاکم در ایران که خود را داعیه‌دار زمینه‌سازی برای ظهور امامنا المهدی می‌شمارد، به این سؤال برمی‌گردد که آیا برای ظهور مهدی اول «صلاح» نیاز است یا «سلاح»؟ یا به بیان دیگر، اول لازم است که شایستگی ظهور را پیدا کنیم، یا اول به قدرت برسیم؟! اول تسلیم مهدی شویم، یا اول به حکومت دست یازیم؟! مطمئناً سلاح بدون صلاح، سودی به مهدی نمی‌رساند، بلکه تنها بر خوف او می‌افزاید؛ چراکه شمشیر در دست دیوانه یا سفیه یا فاسد، تنها بستر ظلم و فساد و هلاکت است.

کما اینکه در عمل می‌بینیم با وجود قوت‌گیری قابل توجه این مدعیان زمینه‌سازی ظهور مهدی از لحاظ مال و نفر و سلاح، خروج آن حضرت از غیبت واقع نشده است. بنابراین شکی نمی‌ماند که مهدی پیش و بیش از همه چیز، منتظر «صلاحیت» است که در صورت رقم خوردن، «مال و نفر و سلاح» را هم با خود به همراه می‌آورد، در حالی که برعکسش اتفاق نمی‌افتد و وجود مال و نفر و سلاح، صلاحیتی به همراه ندارد. بنابراین «صلاح» اهمّ مهمات زمینه‌سازی است

و جمیع مدّعیان زمینه‌سازی بایستی بدانند که سلاح‌ها و تانک‌ها و موشک‌ها و پهپادها و ناوها و بوق‌ها و کرناهای بسیار، بدون صلاح سودی نمی‌رساند، اگر چه زمین از آن‌ها مالا مال شود!

اما صلاحیت به چه معناست؟

پندار نظام حاکم در ایران آن است که مهدی، از اینکه نام او را بر لشکرها بگذارند، یا با نام او موشک شلیک کنند، یا با نام او حکومت کنند، به صلاحیت آن‌ها پی می‌برد! ولی معلوم است که این پنداری واهی و کودکانه است که هر چند اذهان سفیه را قانع کرده، اما نتوانسته مهدی را که رئیس عاقلان است فریب دهد! زیرا بسیار مجرب است که این تنها به بازی گرفتن اسم اسلام است و اسم اسلام تا عمل به آن فاصله‌ها دارد! چه بسیار گروه‌هایی با اندیشه‌های متضاد که نامه‌های خود را با «بسم الله» آغاز کرده‌اند و با «آیات الله» پایان داده‌اند؛ هر روز پیشانی‌های خود را به خاک مالیده‌اند و بر غلاف شمشیرهای خود «نصر الله» و «نصر الدین» و «نصر الرسول» را حک کرده‌اند؛ بر پرچم‌شان «لا إله إلا الله» دوخته‌اند و بر حزب‌شان نام «حزب الله» نهاده‌اند؛ سر در کاخ‌هایشان را با «الملک لله» تزیین کرده‌اند و کارشان را «جهاد فی سبیل الله» و کشته‌هایشان را «من یقتل فی سبیل الله» نامیده‌اند! در حالی که معلوم است همه‌ی آن‌ها حق نبوده‌اند و باید سره از ناسره تمییز داده شود.

صلاحیت یعنی «تنها مهدی» را خواستن؛ مهدی را خالص خواستن. این حقیقت اسلام است: در اعتقادات به جای مهدی کسی را خلیفه‌ی خدا نگیری و بر او اولی و افضل و اصلح نبینی و در عملت به حکومت هیچ کس جز او تن ندهی. وقتی می‌توانی او را به حکومت برسانی، به جای او کسی را بر خود مسلط نگردانی و مشروعیتی برای حکومت غیر او قائل نشوی. این چیزی است که در قلب و عمل مؤمنینی جای دارد که خداوند در وصفشان فرموده است: ﴿أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ﴾^۱ و فرموده است: ﴿امْتَحَنَ

اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى^۱. بنابراین، معیار صلاحیت، «خلوص» فرد در پذیرش مهدی است و تنها سلاح کسی برای مهدی سودمند است که صلاحیت حامل و خلوصش محرز شده باشد و او کسی است که تسلیم قضای پروردگار در مشروعیت حکومت مهدی و عدم مشروعیت حکومت‌های غیر اوست.

با این وصف، ضدیت با نهضت مبارک «بازگشت به اسلام»، که به اذن الله باعث شده چنین اعتقادی در قلب‌ها ریشه دواند و در اعضا و جوارح شاخ و برگ پروراند و در زمینه‌سازی برای ظهور ثمره یابد، به هیچ وجه قابل قبول نیست و دشمنی آگاهانه با آن تنها از کفر و نفاق دشمنانش پرده برمی‌دارد؛ چراکه هر کس از روی علم با زمینه‌سازی برای ظهور که معنایی جز ایجاد آمادگی در مردم برای کنار زدن حکومت‌های فعلی و پذیرش حکومت مهدی ندارد مقابله کند، خواسته که خداوند در زمین پرستیده نشود و احکامش جریان نیابد و چنین فردی بدون شک، کافر، ظالم و فاسق است؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ﴾^۲؛ «و هر کس مطابق با چیزی که خداوند نازل کرده است حکم نکند آنان همانا کافران هستند» و فرموده است: ﴿وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾^۳؛ «و هر کس مطابق با چیزی که خداوند نازل کرده است حکم نکند آنان همانا ظالمان هستند» و فرموده است: ﴿وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾^۴؛ «و هر کس مطابق با چیزی که خداوند نازل کرده است حکم نکند آنان همانا فاسقان هستند».

بنابراین، بر جمیع مدّعیان زمینه‌سازی برای ظهور مهدی بایسته است که ندای منادی حق، منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی را لبیک گویند و به جای ستیز با آن، به تصدیق و سپس هم‌صدایی با آن روی آورند تا به برکت این اجتماع قلوب بر امر مهدی و تعاون بر تقوا، مهدی راضی به ظهور شود ان شاء الله.

۱. الحجرات / ۳

۲. المائدة / ۴۴

۳. المائدة / ۴۵

۴. المائدة / ۴۷

ولی اگر در ادعای‌شان راستگو نیستند و برای رساندن خودشان به قدرت حرص می‌زنند، تنها گناه بر روی گناه می‌افزایند و اگر عمرشان به ظهور قد ندهد و در این عالم رسوا نشوند، با زمینه‌سازی خیالی‌شان به گور می‌روند تا در آن عالم خدایی که از اعمالشان غافل نیست، رسوایشان سازد!

پس ای مردم! سبیل الله را از روی اسم و رسم شناسید و به خطا نروید! سبیل الله، سُبُل متفرّق نیست! سبیل الله، یگانه و تنها راهی است که «هجرت»، «جهاد»، «نصرت» و «شهادت» در آن معنا می‌گیرند! سبیل الله، سبیل طاغوت نیست! سبیل الله، راه «نصرت» خداست، و نصرت خدا، «نصرت دین» خداست، و نصرت دین خدا، نصرت «خلیفه‌ی» خداست؛ چراکه جز او کسی دین را کامل نمی‌شناسد و قادر به اجرای آن نیست، و نصرت خلیفه‌ی خدا، «خالص خواستن» خلیفه‌ی خداست! و کسی او را خالص نمی‌خواهد، تا آنکه او را «تصدیق» و حکومت را به او «تسلیم» کند، سپس در آنچه قضاوت کرد، در خود حرجی نیابد. این تعریف سبیل الله است...

مقاله‌ها و نکته‌های دیگر از این نویسنده:

۱. نکته‌ی «بازی با خون»



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب شاه‌محمد خراسانی حفظه الله تعالی



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.